

## کمبود نیروی انسانی و امکانات عمده‌ترین مشکل جهاد سازندگی ایران‌شهر است.

# جهاد ایران‌شهر، کارها و کمبودها

در زمانی نه چندان دور که، جو پاره‌ای از شهرهای سیستان و بلوچستان در دست گروه‌های ضد انقلاب بود و هر روز بلوا و آشوب آنها، آرامش مردم منطقه را سلب میکرد. جهاد سازندگی همگام با دیگر نیروهای انقلابی پا بر این سرزمین تفتیده گذاشت، تا با یاری محرومین این خطه، قامت رنجور آنان را که در پی هزاران سال رنج و مشقت خمیده بود، استوار سازد و در همان زمان بود که گروه‌ها شدت از ورود و فعالیت نهادهای انقلابی جلوگیری میکردند و نیروهای انقلابی را مورد آزار و اذیت قرار میدادند آنها را ساواکی میخواندند و در راه بد نامی و نابودی آنها از هیچ کاری دریغ نمیکردند...

اما اکنون دیگر واقعیت نیروهای انقلابی و ضد انقلابی برای مردم آشکار شده است مردم دوست و دلسوز واقعی خود را شناخته‌اند، و دیگر نه تنها اعضای جهاد سازندگی مورد آزار و اذیت نیستند بلکه مردم سیستانی و بلوچ برای کوچکترین نیاز و مشکل خود به جهاد سازندگی رجوع کرده و گاه میگویند که اگر جهاد سازندگی در روستایشان مرکز ایجاد نکند، دست به تحصن خواهند زد...

برای آگاهی بیشتر در مورد فعالیت جهادگران در ایران‌شهر، بهتر است پای صحبت برادر طارخ، یکی از مسئولان جهاد سازندگی ایران‌شهر نشسته و مسایل و مشکلات و فعالیتهای جهاد سازندگی ایران‌شهر را از زبان وی بشنویم:

برادر طارخ در ابتدا به تشکیل جهاد سازندگی ایران‌شهر و موقعیت سیاسی آن زمان اشاره کرده و چنین میگوید: «جهاد سازندگی ایران‌شهر در شهریور ۵۸، در بحبوحه فعالیت گروه‌های مخالف انقلاب در بلوچستان تشکیل شد. گروه‌ها برای ترساندن و فراری دادن ما از هیچ امری فرو گذار نمیکردند و مردم هم فریب تبلیغات آنها را خورده و همه بما میگفتند: «شما ساواکی هستید و میخواهید کار ساواکی‌ها را بکنید. شما باید از این منطقه بروید و...» حتی اعضای جهاد را کتک هم میزدند. و یا اینکه وقتی برادران با کار و کوشش فراوان در منطقه‌ای مشغول سازندگی بودند، آنها جمع شده و میگفتند: شما با حقوق ماهی ۲۰ هزار تومان، باید هم کار بکنید و وظیفه‌تان است و...!!!

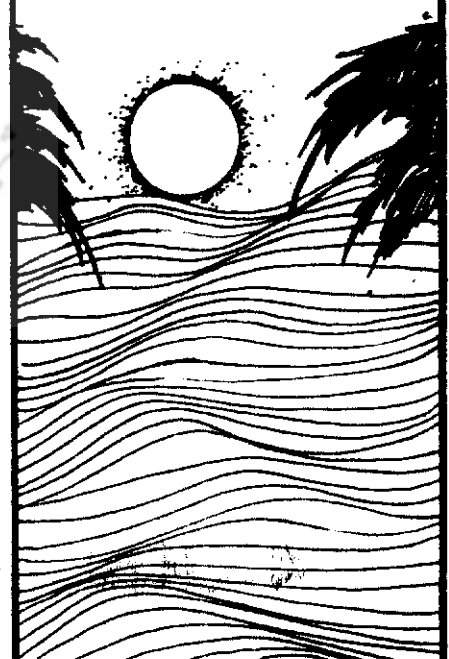
شدت تبلیغات ضد انقلاب بعدی بود که مردم می‌پنداشتند ما ماهی ۲۰ هزار تومان حقوق میگیریم!

در آن اوایل وقتی ما میخواستیم از یک جا به

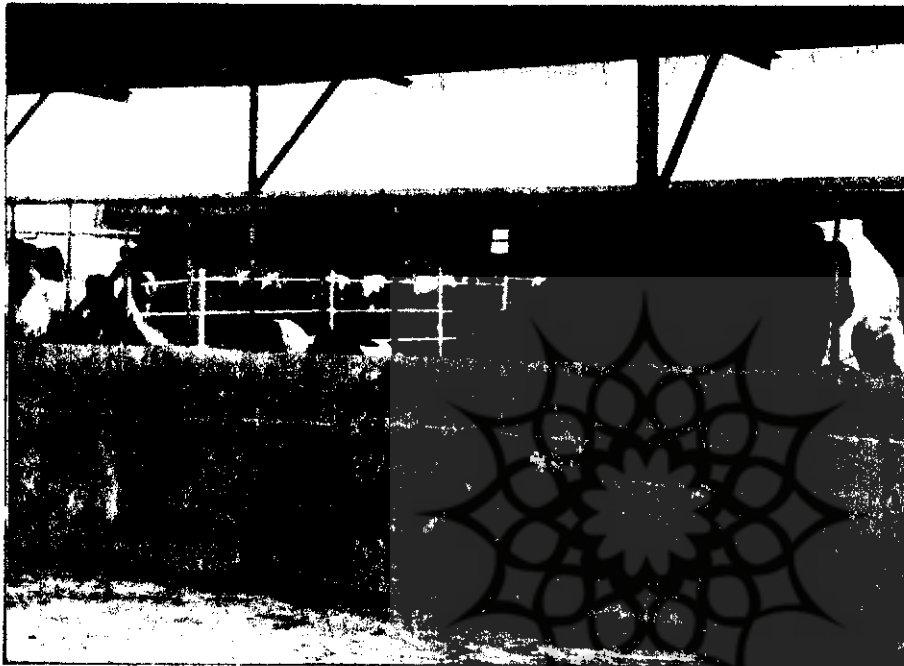
جای دیگر برویم، شاگرد مدرسه‌ها جمع شده و به ما فحش میدادند و میگفتند: جاسوس ساواکی، و حتی سنگ و گوجه فرنگی و سیبهای گندیده بطرف ما پرتاب میکردند و ماشینهای جهاد سازندگی را می‌زدیدند و یا راه را بر آنها می‌بستند و تیراندازی میکردند و یا جهادگران را گروگان میگرفتند و... برادران جهاد هم فقط و فقط تحمل و سکوت میکردند و در مقابل تمامی این توطئه‌ها و دسایس و جوسازی‌ها و تبلیغات تلاش میکردند که حداقل یک «کار» و یک نمونه به مردم ارائه بدهند، و با نشان دادن واقعیت جهاد سازندگی، آن‌ها را بشکندند و در این صورت بود که ما می‌توانستیم به مردم بگویم ما ضد انقلاب و ساواکی و جاسوس نیستیم!

مهمترین مساله‌ای که در آن ابتدا به نظرمان رسید، مساله «برق» بود. در ایران‌شهر کارخانه برق بزرگی است، در صورتیکه روستاهای اطراف آن اصلا برق ندارند با توجه به این موضوع فوری دست بکار شده و با تمامی قدرت توان شروع به برق رسانی به روستاها کردیم. پس از مدتی توانستیم با انجام اقداماتی از این قبیل و فهماندن این مطلب که ما برای خدمت به مردم به منطقه آمده‌ایم، آنان را با خود هماهنگ و همراه کنیم. تمامی توطئه‌هایی که در شهر بر علیه جهاد و سپاه انجام میگرفت، توسط گروه‌های بیکار و از مدارس شروع میشد. به تحریک بیکاریها دانش آموزان کلاسها را تعطیل کرده و به خیابانها میریختند و شهر را به آشوب میکشیدند اگر هم زورشان نمیرسید که تظاهرات و آشوب کنند، در خیابانها لاستیک‌ها را آتش زده و راه‌انداز ایجاد میکردند. حتی بارها انتخابات را تحریم کردند و بعد از تحریم هم برای خالی نبودن عریضه صندوقها را به آتش کشیدند و... بیکار هم به خوابگاه جهاد سازندگی حمله کرده و تمامی پرونده‌ها و اسناد و مدارک را بهم ریختند و خلاصه کار نکرده باقی نگذاشتند. در این شرایط بود که جهاد بوجود آمد و رشد کرد و به حیات خود ادامه داد تا آنجائیکه همان مردمی که تا دیروز به ما ساواکی میگفتند، اکنون به ما ایمان کامل داشته و برآورده شدن تمامی تقاضاهایشان را از ما انتظار دارند.»

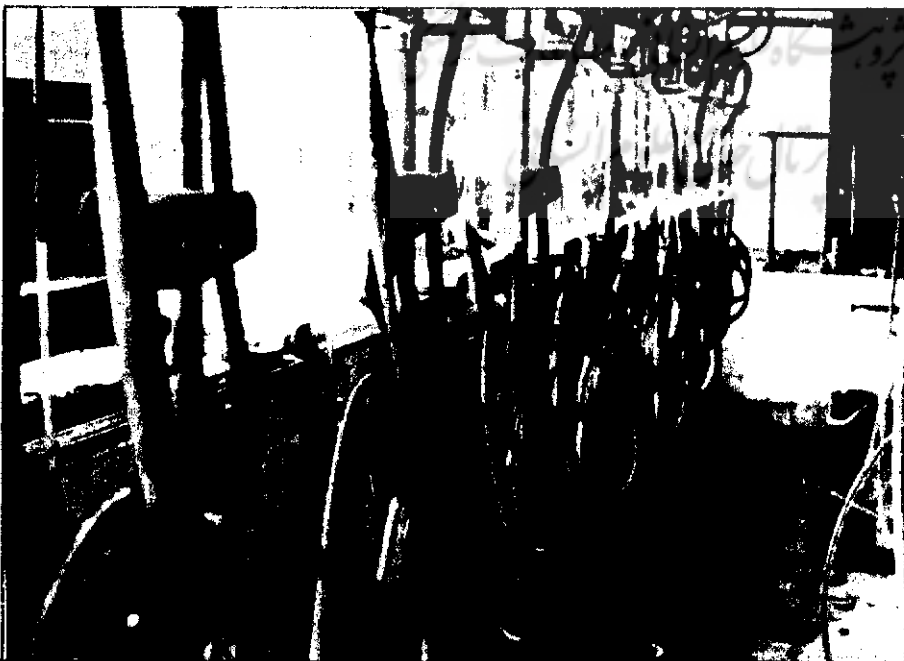
برادر رسول طارخ سرپرست جهاد سازندگی ایران‌شهر، سپس به بررسی مشکلات جهاد پرداخته و این چنین به ارزیابی می‌نشیند: «در ابتدای شروع کار جهاد سازندگی ایران‌شهر، «عدم امنیت» و نبودن «نیرو» و «امکانات» مهمترین مشکلات جهاد را



در حال حاضر مردم منطقه کاملاً جهاد سازندگی را شناخته و تمام تقاضاهایشان حتی اختلافات خانوادگی را با مسئولین این ارگان در میان می گذارند.



گاو‌داری ایرانشهر یکی دیگر از اقدامات موثر جهاد سازندگی در ایرانشهر بوده است.



کارخانه شیر باستوریزم ایرانشهر که توسط جهاد سازندگی احداث و راه اندازی شده است

تشکیل میداد ولی در حال حاضر مساله امنیت حل شده و الان فقط و فقط کمبود نیرو و امکانات مشکل ماست. در آن اوایل که یک خبرنگار آلمانی به اینجا آمده بود، با مشاهده اینکه همه و در همه حال و بعنوان همه چیز «نان و پنیر» میخورند، متعجب شده و می گفت من هرجا میروم نان و پنیر میخورند. آیا به شما گفته اند که همیشه نان و پنیر بخورید! ما هم در جواب می گفتیم که «آشپز» نداریم و حق هم همین بود. در آن شرایط حساس که تبلیغات ضدانقلاب به اوج رسیده بود، ما بر آن بودیم تا با ارائه یک نمونه کوچک، مردم را به سوی خود جذب کنیم، و لذا نمی توانستیم حتی به این فکر کنیم که امشب غذا چه بخوریم؟ این بود که همیشه و در همه جا و بعنوان صبحانه و نهار و شام از «غذای سازمانی معروف» نان و پنیر استفاده میکردیم.

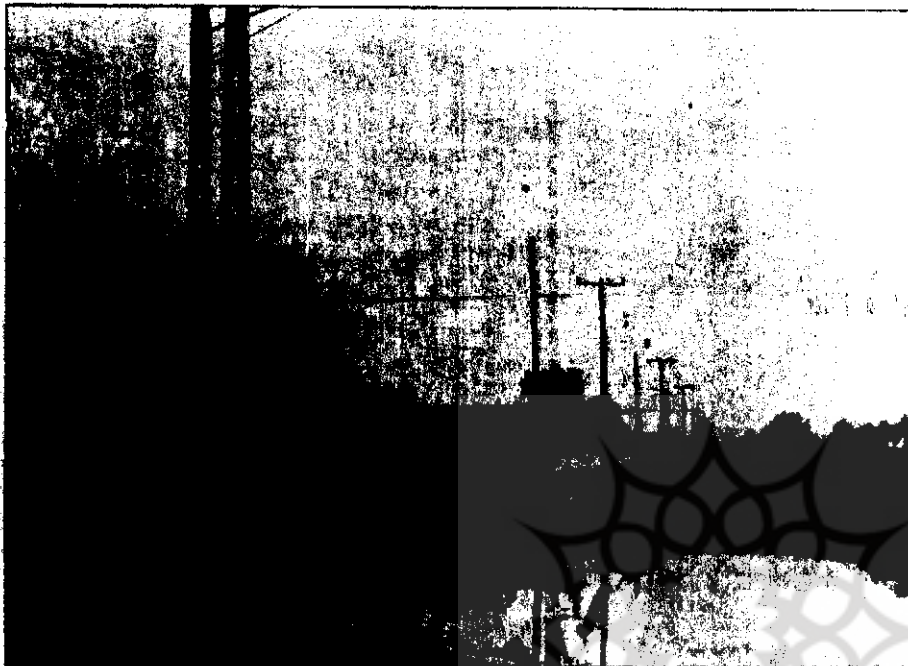
با تحمل این مشکلات بود که ما توانستیم «جو» را بشکنیم. توانستیم بر مشکلات موجود غلبه کرده و مردم را با خود همراه کنیم. در حال حاضر مردم کاملاً «جهاد سازندگی» را شناخته و به آن ایمان آورده اند. و تمامی تقاضاهایشان را با مادر میان می گذارند. از دهات دور افتاده ای که شاید با ایرانشهر ۳۰۰-۲۰۰ کیلومتر فاصله دارند به اینجا آمده و می گویند شما باید در روستاهای ما جهاد درست بکنید. حتی بعضی مواقع شده است که گفته اند که اگر برای ما دفتر جهاد سازندگی تاسیس نکنید ما اینجا تحصن میکنیم و... این استقبال مردم از جهاد سازندگی است. مردمی که تا دیروز تحت تاثیر تبلیغات ما را ساواکی خوانده و از انواع و اقسام ازار و اذیت خودداری نمی کردند. در حال حاضر برای تاسیس جهاد در منطقه شان دست به تحصن میزنند و یکی از بزرگترین آرزوهایشان این است که جهاد سازندگی در منطقه آنها دفتری تاسیس بکند. مانیز آرزویمان این است که جهاد سازندگی بتواند همه روستاهای این منطقه را تحت پوشش بگیرد و به مشکلات آنها رسیدگی بکند. اما مساله اینجاست که ما دارای نیرو و امکانات لازم و کافی برای اینکار نیستیم و در حال حاضر نمیتوانیم این تقاضای بحق مردم را برآورده سازیم و خلاصه... «درمانده ایم».

مهمترین مساله و مشکل ما «نیرو» است، در همه سمینارها هم گفته ایم ولی فریادمان بجایی نرسیده است. در این موقعیت که از لحاظ سیاسی شرایط کاملاً مستعدکار و فعالیت است، ما قادر نیستیم ورق بزنیم

## فعالیت یا عدم فعالیت جهاد سازندگی در سیستان و بلوچستان یک مسئله سیاسی است که مردم را بطرف انقلاب و یا ضد انقلاب سوق میدهد.

این گاوداری احداث کرده تا با پاستوریزه کردن شیر و فروش آن به مردم خدمت هرچه بیشتری به آنان انجام دهیم.

علاوه بر این یک کارخانه پلی اتیلن (لوله سازی) نیز در دست احداث است که عملیات ساختمانی آن ادامه دارد. جهاد همچنین توانسته است یک سالن بزرگ را تعمیر کرده و از آنان بعنوان «مجتمع مرغداری» استفاده نماید. در حال حاضر ۸۰۰۰ مرغ در این مرغداری وجود دارد که به هنگام فصل فروش مردم برای خرید آن سرو دست



برق رسانی عمده ترین فعالیت جهاد سازندگی ایرانشهر را تشکیل داده است

می شکند. در زمینه کارهای ساختمانی هم تعمیر و راه اندازی یک «کوره آجر پزی» بود که متعلق به یکی از سرمایه داران محلی بود که مصادره شد این کوره میتواند در هزار بهره برداری در حدود ۷۰۰ هزار آجر تجویب بدهد. لازم به توضیح است که با توجه به صنعتی شدن ایرانشهر، قیمت لوازم ساختمانی خصوصا آجر روز بروز افزایش میافتد و جهاد توانست با عرضه آجر به قیمت ارزان بازار اجرا تحت کنترل درآورد.

در زمینه کارهای عمرانی هم تا بحال چهار مسجد و ۸ مدرسه ساخته شده است. لوله کشی آب به ۱۸ روستا هم تمام شده است. و در ۸ روستای دیگر نیز در حال تکمیل شبکه آبرسانی هستیم.

فعالیت های فرهنگی جهاد هم عبارت بوده است از برگزاری نمایشگاه و توزیع عکس، پوستر و کتاب و... در همین زمینه تا بحال ۹ نفر از جوانان «بلوچ» شیعه شده اند که از مهمترین اقدامات جهاد

بقیه در صفحه ۷۰

به هیچ وجه دست روی دست نگذاشته و منتظر اقدامات از بالا نشده ایم. با حداقل امکانات، حداکثر زاندمان و بهره را دانسته ایم. مهمترین فعالیت های جهاد در ۲ محور عمده «برق» و «قنات» بوده است. تا بحال بیش از ۸۰ روستا برق رسانی شده و برق رسانی به بقیه روستاها نیز در حد امکان ادامه دارد. فعالیت های برق رسانی در ایرانشهر بقدری گسترده است که فکر نمیکنم هیچ جهادی مثل ایرانشهر در این زمینه فعال برخورد کرده باشد. در رابطه با قنات هم تا بحال بیش از ۱۲۰۰ حلقه قنات، چاه و چشمه احداث شده است که اثرات بسیار زیادی بر روی کشاورزی منطقه داشته است. جهاد سازندگی ایرانشهر در حال حاضر با راه اندازی و بهره برداری یک مجتمع گاو داری در ایرانشهر توانسته است، «شیر» مورد نیاز شهر را تامین نماید و این در حالی است که بجز جهاد سازندگی هیچ کس دیگری در شهر «شیر» ندارد. ما در حدود هشتاد در آینده یک کارخانه شیر پاستوریزه در مجاورت

اقدامات خود را گسترش بدهیم و نمی توانیم در بخشهای مختلف اقدام به تاسیسی دفتر جهاد سازندگی بکنیم. علت تمامی این ها «کمبود نیرو» است. نیرویی باید در این منطقه بیاید که با همه چیز بسازد یا کمبود ماشین، کمبود امکانات، بدی آب و هوا، با خطرات جانی و خلاصه با همه مسائلی که در اینجاست، روبرو شده و آنرا تحمل کند.

عمده مشکل ما همین است و عمده تقاضای مانیز همین. البته درست است که همه روستاهای ایران محروم هستند و ویرانی و خرابی در همه جا چشم میخورد، منتهی مساله اینست که فعالیت یا عدم فعالیت جهاد سازندگی در اینجا یک مساله «سیاسی» است و این مسایل سیاسی است که مردم را به طرف «انقلاب» و یا «ضد انقلاب» سوق میدهد و طبیعی است وقتی ما بتوانیم عملکرد خوب و متناسبی با اهداف اسلامی داشته باشیم مردم به سمت ما می آیند و وقتی نتوانستیم برای مردم فعالیت کنیم مردم اسپر تبلیغات گروهکهای ضد انقلاب شده و حرفهای آنان را مبنی بر اینکه «اینها، اینجا آمده اند بخورند و بخوابند» را قبول میکنند.

در حال حاضر مردم برای «سیر» تا بیاز» کارهایشان به جهاد سازندگی می آیند. وقتی میگوئیم اداره برق، اداره راه، اداره آبیاری و اداره... هست میگویند، آنها اصلا به دردمان نمی رسند اگر شما کاری کردید، کردید و اگر نه ما به اجنامی رویم چون آنها کاری نمیکند جسی بعضی وقتها دعواهای خانوادگی شان را هم می آورند پیش ما، که برایشان حل کنیم.

اما همواره کمبود امکانات جلوی کار ما را گرفته است. امکانات واقعا کم است و نباید به این منطقه رسیدگی بیشتری شود. منطقه ای به این وسعت که نزدیک ۹۰۰ - ۸۰۰ روستا دارد، چرا باید بعد از دو سال، تنها یک بولدوز بان بدهند. واقعا هم تقاضا برای آن زیاد است که حد و حساب ندارد. یکی برای تسطیح اراضی کشاورزی میخواهد، یکی برای سیل بندی میخواهد، یکی برای جاده سازی میخواهد و... خلاصه یک بولدوز است و یک جهاد و یک منطقه وسیع.

### فعالیت های جهاد سازندگی ایرانشهر

البته با وجود تمامی این کمبودها و مشکلات ما

## جهاد سازندگی نیاز...

آنها صحبت کنند و همزمان بارشده امکان مادی زندگی به مردم، برای مردم رشد فرهنگی هم بیارید. کلاسهای دروسها دایر شود، سخنرانان مذهبی از سوی جهاد به روستاها بروند و سخنرانی بکنند، و این نتیجه اش از تبلیغ بوسیله رادیو و تلویزیون و جراید بیشتر و مفیدتر است.»

حجت الاسلام باقی زاده به ویژگیهای اساسی جهاد سازندگی اشاره کرد و گفت: «یکی از ویژگیهای اساسی جهاد سازندگی، مکتبی و مردمی بودن آن است. یعنی جهاد با بعد مردمی و ایثار و خدمتی که دارد قهراً در دل مردم نفوذ می کند. یک روستایی وقتی می بیند یک برادر جهادگر چون او زندگی میکند و هیچگونه امتیازی برآنها ندارد، در عین حال که شب و روز برای مردم تلاش می کند، عیبی و امتیازات و اضافه کار و ساعت کار ندارد، بدون منت کار میکند، عملکرد خالصانه اش در دل مردم نفوذ میکند و آنها نیز به جهاد علاقه مند میشوند و تحریک میشوند تا با جهاد همکاری کنند. این

شکل نهاد و این رابطه باعث میشود که مردم به صحنه سازندگی کشیده شوند. زمانی که مردم خودشان در ساخت جامعه و تامین نیازمندیهایشان مشارکت کردند، چرخ پیشرفت اقتصادی و معنوی جامعه شتابان تر به جلو میرود و سعادت جامعه زودتر تامین میشود. پس مهمترین ویژگی جهاد مکتبی بودن و مردمی بودن آن است. مکتبی است دلیل اینکه او انگیزه ای جز خدمت به خلق در راه خدا نمی داند و با این ایثارگرایی که از خود نشان میدهد، بقاء خودش را تضمین می کند. میزان عملکرد جهاد سازندگی در مدت این دو سال و نیم بعد از انقلاب، بدون تردید بیش از خدماتی است که رژیم منقرض شاه در ۲۵ سال گذشته عرضه کرده است، «علاوه بر این امکانات در زمان رژیم گذشته گسترده و درهای واردات کالاهای خارجی به روی ملت باز بود و لوازم بدکی و نیازهای دیگر همه فراهم میشد، و جنگ و محاصره اقتصادی و توطئه های عوامل ضدانقلاب در داخل و خارج و انفجارات و ناامنی ها

نیود.

## کار جهاد سازندگی همواره یک نمونه است.

نماینده امام در جهاد سازندگی کرمان در مورد آینده جهاد و نقشی که باید در جمهوری اسلامی داشته باشد، گفت: «جهاد سازندگی نشأت یافته از نیاز و ضرورت انقلاب است. مادام که نیازهای مردم روستایی برآورده نشده و تا زمانی که ارگانی صادق و خدمتگزار چون جهاد سازندگی کمربند خدمت به روستائیان نبندد بوجود نیامده، جهاد باید بماند و باقی هم می ماند و به خدمات خودش ادامه میدهد.

جهاد را با ویژگیهایی که دارد نمی توان تصور کرد که روزی نباشد، زیرا حیات انقلاب در محوطه حیات جهاد سازندگی و بقاء آن است و حد خدماتی است که به روستائیان عرضه می کند.»

## جاز موریان.....

است. در این منطقه حدود ۹۵٪ از حیوانات بیمار هستند. به گفته برادران دامپزشک جهاد «کهنوج» هرگونه مرضی که در دانشکده طی سالهای تحصیلی خوانده شده، در این منطقه در میان دامها مشاهده شده است.

تا به حال حتی یک پزشک به منطقه جاز موریان نرفته است. و پزشک آنها شخصی است به نام «فالگیر» امثالاً هرگاه کسی مریض شود، فوراً یک گوسفند را سر بریده و بیمار را به مدت چند ساعت داخل پوست گوسفند کرده و نگه می دارند. یا اینکه هرگونه مشکل لاینحلی داشته باشند، توسط فالگیر به ذبح گوسفند یا گاو می پردازند) از مشکلاتی که مردم کرکک و بدل مطرح کردند همین مسئله نبود دامپزشک و پزشک است.

- تهیه وسایل کشاورزی و آموزش افراد:

- برای کاشت و برداشت گندم و جو احتیاج مبرم به وسایل تکنیکی جدید است. جهاد کهنوج با وجود امکانات بسیار کمی که داشته، تا به حال ۳ تراکتور و آسیاب (که از سایر مناطق تهیه کرده)، به منطقه

اعزام داشته است، اما باز به تراکتور نیاز هست. اتاقک راننده در تراکتورهایی که به منطقه اعزام میشوند، باید به وسیله چادر حفاظت شود که راننده از هجوم یسه ها محفوظ باشد و نیز افراد باید آموزش ببینند تا بتوانند مشکلات اولیه خود را حل کنند.

- نیاز مردم به شرکت تعاونی:

فقط در ۷۲ کیلومتری کهنوج در «قلعه کنج» یک شرکت تعاونی وجود دارد. و از «قلعه کنج» تا «وشک» و «جاز» و «چاه دادخدا» که در حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله می باشد، هیچگونه شرکت تعاونی وجود ندارد. منطقه نیاز به شرکت تعاونی دارد تا مایحتاج مردم (از قبیل قند و شکر، روغن نباتی و...) که باید به وسیله کوپن تهیه شود، در اختیارشان قرار گیرد.

و خدمات اجتماعی و فرهنگی:

مشکل دیگری که قابل بحث است، عدم وجود مدرسه و نداشتن مسجد است. به علت بسته بودن

جامعه مردم به لحاظ وضعیت مذهبی و فرهنگی در شرایط بسیار بدی قرار دارند. در سال قبل (۶۰) از «دفتر تبلیغات» طلبه ای از قم به منطقه اعزام شده است و جهاد کهنوج نیز فعالیتهای فرهنگی از قبیل نمایش فیلم، کتاب، پوستر و... در منطقه داشته است. اما فعالیتهای فرهنگی در این حد پاسخگویی نیاز مردم نبوده و به اقدامات گسترده تری احتیاج هست.

در صورت اقدام موثر با برنامه ریزی صحیح، نه تنها وضع مردم منطقه بهبود می یابد، بلکه می توان با توجه به زمینه های مساعد در منطقه، کشاورزی و دامداری و برداشت علوفه را گسترش داد. لازم است قبل از هر چیز یک گروه تحقیق از جهاد سازندگی به منطقه اعزام شده تا منطقه و مشکلات، نقاط ضعف و قوت آن دوباره بررسی و شناسایی و با تحقیقات منسجم تر است به برنامه ریزی و اصلاح منطقه بزنند.

به امید آنکه جهادگران بتوانند باری از روی دوش این مردم محروم بردارند.

## جهاد ایرانشهر.....

سازندگی در این زمینه بوده است و تاثیر بسیار زیادی روی بقیه داشته است.

در زمینه کشاورزی، از اقدامات جهاد سازندگی ایرانشهر در زمینه کشاورزی، در اختیار گذاشتن تراکتور، موتور پمپ و تسطیح زمین و... را

کارها و نرسیدن به منطقه، اینجا خدای ناکرده «کردستان دوم» بشود.

و تمام قصد و منظور ما همین است و اینکه فریادمان از کمبود نیرو بلند است نیز برای همین،

جهاد